



نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱۸ مرداد ۱۴۰۰ - ۹ اوت ۲۰۲۱

اکتبر ۲۸۳

نجیروان بارزانی:

ما بخشی از انقلاب اسلامی هستیم

همایون گدازگر

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با وقایع شهر نرده

صفحه ۳

اکتبر می پرسد:

اوضاع سیاسی ایران و وظایف چپ در کردستان

مصاحبه با صالح سرداری

صفحه ۴

جنبش های اعتراضی و ضرورت حمایت و همبستگی مبارزاتی

کردستانه کجای این تحولات قرار دارد؟

صفحه ۷

سعید یگانه

از افغانستان تا کردستان زنان قربانیان مذهب و مرسالاری!

تا به کی سکوت؟!

صفحه ۹

ملکه عزیزی

تروریسم جمهوری اسلامی و حکم اعدام در حکومت اقلیم کردستان

سیوان کریمی

صفحه ۱۱

زنان افغانستان در تقابلی سرنوشت ساز

پروین کابلی

صفحه ۱۲

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با دادگاهی و محکومیت تروریست های اسلامی در دادگاه اربیل

صفحه ۱۳

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در محکومیت ترور موسی باباخانی

صفحه ۱۴

در جریان سفر برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری اسلامی ایران، نجیروان بارزانی روبه میدیا یک بار دیگر با اظهار این که: "ما بخشی از انقلاب اسلامی هستیم"، حقیقتی را بیان کرد که ما کمونیستها بیشتر از ۴۰ سال است آن را افشا می کنیم. از همان روزهای اول روی کار آمدن رژیم هار اسلامی این حضرات با اسباب کشی از حمایت از شاه و ساواک به طرف جمهوری اسلامی سرسپردگی خود را به قدرتهای منطقه ادامه دادند. از آن زمان تاکنون نجیروان بارزانی و احزاب مربوطه اقلیم او از همکاری با جمهوری اسلامی علیه مردم، بخصوص مردم کردستان کوتاهی نکرده اند. از پشتیبانی کردن از مرتجعین محلی در زمان اپوزیسیون بودنشان و جنگیدن دوشادوش سپاه پاسداران علیه احزاب مسلح در کردستان، تا کمک سازمانیافته به استقرار نهادهای ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان عراق در زمان حاکمیتشان، تنها چند مورد از تاریخ سرسپردگی این احزاب به جمهوری اسلامی است.

در کردستان عراق، در زمان حاکمیت این احزاب، پرونده قطور و سیاهی از همکاری احزاب متبوعه ی اقلیم تحت حاکمیت بارزانی علیه مبارزین کردستان ایران در دست است که باید در تحولات

زیروکننده‌ی پیش‌رو و در فردای به‌گور سپردن جمهوری اسلامی این شرکای جنایت جمهوری اسلامی در قبال این اعمال ضد‌مردمی خود در مقابل مردم به پاخواستاری کردستان ایران جوابگو باشند.

همین دو روز قبل با ترور موسی باباخانی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات در شهر اربیل، ثمره‌ی این ادعای افتخارآمیز رئیس اقلیم کردستان برای چندصدمین بار به بارنشست و در سایه جولان آزادانه تروریست‌های جمهوری اسلامی در منطقه تحت نفوذ او جان یکی دیگر از رهبران اپوزیسیون گرفته شد. چند هفته قبل بهزاد رحیمی یکی دیگر از مخالفین جمهوری اسلامی به دست تروریست‌های جمهوری اسلامی ترور شد.

اما این پایان کار نیست. در اوضاع سیاسی کنونی منطقه که از یک طرف اعتراضات توده‌ای مردم به جان آمده علیه فساد و محرومیت و فقر و ننداری، تاج و تخت این حاکمان را بلرزه در آورده است، و از طرف دیگر خروج نیروهای خارجی که مدت‌هاست تکیه گاه حاکمیت این حکومت‌های مذهبی و قومی بوده است، موجودیت این دولت‌ها را به خطر انداخته و احساس ناامنی بیشتری می‌کنند، به خصوص در برابر موج خشم و نفرت مردم معترض در عراق، در بیم و ترس همیشگی بسر می‌برند. بنا به این دلایل در شرایط حاضر برای ادامه‌ی بقای خود در آینده احتمالاً سرسپردگی‌شان به قدرت‌های سرکوبگر منطقه از قبیل

حکومت اسلامی و ترکیه بیشتر می‌شود. نتیجه این سرسپردگی که خودشان مزورانه اسم روابط دوستانه و حسن همجواری روی آن گذاشته‌اند، ضدیت بیشتر با مبارزات مردم در ایران و کردستان ایران خواهد بود.

تملق و سرسپردگی این احزاب به قدرت‌های سرکوبگر منطقه مثل همیشه با تحقیر و سرکوفت پاسخ می‌گیرد. این بار هم هنوز شغف و خوشحالی ناسیونالیست‌ها از برافراشتن پرچم کردستان در پایتخت جنایت و اعدام جمهوری اسلامی پیمان نرسیده بود که مقامات جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه رسمی بر افراشتن پرچم کردستان را اشتباه قلمداد کرد و مهمانان تحلیف را خوار و درمانده روانه دیار خود کردند.

اما این‌ها روی اسب بازنده شرط‌بندی کرده‌اند. امروز تکیه‌گاه این حضرات یعنی رژیم هار اسلامی خود در محاصره تعرض توده‌های مردم ایران گرفتار آمده و شمارش معکوس برای خلاص شدن جامعه از شر آن شروع شده است. سیلاب اعتراض و نفرت کنونی، این نوکرهای حاشیه‌ای جمهوری اسلامی را همراه خود او هدف قرار خواهد داد. دیری نخواهد پائید که در اعتراضات توده‌ای در کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی یکبار دیگر مانند سال‌های اولیه انقلاب ۵۷، صدای شعار مردم معترض علیه همدستی احزاب حکومت اقلیم کردستان با رژیم سرکوبگر اسلامی و ضدیت آنها با مبارزات حق طلبانه مردم کردستان ایران از خیابان

شهرهای کردستان ایران شنیده خواهد شد.

در این میان مردم در کردستان عراق چه وظیفه‌ای در قبال ضدیت حاکمیت اقلیم با مبارزات مردم در کردستان ایران دارند؟ سال‌هاست سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی در دیگر شهرهای عراق آماج اعتراض و حمله‌ی مردم تحت ستم در عراق است. درحالی‌که در بصره و بغداد و کربلا و غیره پرچم جمهوری اسلامی و کنسولگری‌هایش به آتش کشیده می‌شود، چرا مردم کردستان عراق در برابر سیاست‌های جمهوری اسلامی و همکاری دولت اقلیم بی تفاوت هستند؟ از ترورهای سیستماتیک جمهوری اسلامی و ربودن اپوزیسیون ایرانی، تا تحویل زندانی فراری زیر اعدام به جمهوری اسلامی و برپایی نهادهای متعدد جاسوسی و اطلاعاتی در کردستان عراق، همگی می‌توانند موضوع مبارزه برحق مردم کردستان عراق علیه دخالتگری جمهوری اسلامی و سرسپردگی حکومت آنها باشند. این حداقل توقعی است که از مردم مبارز در کردستان عراق می‌رود که تاریخاً و از این طریق وظیفه پشتیبانی از مبارزات مردم کردستان ایران روی دوش آنها افتاده است.

وبالآخره تجربه‌ی حاکمیت و سرسپردگی احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، باید آزمونی برای مردم کردستان ایران و هوشیاری در مقابل احزاب ناسیونالیست کردستان ایران باشد.

بقیه در صفحه ۸

نسخه ایرانی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با وقایع شهر نقده

برای مقابله با رژیم جنایتکار اسلامی بیشتر از هر زمانی به همدلی و اتحاد و همبستگی نیاز دارند اجازه ندهند مسائل قومی و ملی به ابزاری در دست جمهوری اسلامی برای تفرقه و تضعیف مبارزات متحدانه مردم تبدیل شود. مردم شهر نقده اعم از "گُرد و ترک زبان" شهروندان متساوی الحقوق، دارای منفعت مشترک و درمقابل یک دشمن مشترک یعنی جمهوری اسلامی قرار دارند و باید تمام توان و نیروی متحد خود را برای خلاصی از جهنمی که رژیم اسلامی برای مردم محروم ساخته است بکار گیرند. انتظار از صف انسانهای آزادیخواه و برابری طلب شهر نقده این است که بیشترین مسولیت را در ایجاد همدلی و همبستگی میان مردم به عهده بگیرند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست

۱۴ مرداد ۱۴۰۰

۱۸ اگوست ۲۰۲۱

میان مردم، به کینه ملی که مطلوب جمهوری اسلامی برای بقای ننگینش است دامن بزنند. بخصوص شهر نقده که تاریخی هولناک از جنگ قومی پشت سر دارد. قتل عام مردم بیگناه "قارنا و قلاتان" با تحریک ملاحسنی مرتجع امام جمعه شهر رضائیه و دامن زدن به کینه و نفرت قومی میان مردم و قتل عام آنها توسط مزدوران سپاه از حافظه مردم پاک نشده و زخم بزرگی بر پیکر جامعه به جا گذاشته است. امروز نیز رژیم جمهوری اسلامی که در سراسیمه سقوط قرارداد برای ادامه بقا از این ابزار برای تفرقه و دودستگی و سرکوب مردم قطعا استفاده می کند. نباید اجازه داد که فجایعی از این دست دوباره تکرار شوند. مردم باید هوشیار باشند که این واقعه به ابزاری در دست ناسیونالیستهای "ترک و کرد" برای باد زدن کینه قومی میان مردم که سابقه دار نیز هست تبدیل نشود. تکرار آن تاریخ و وقایع فقط به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر مردم تمام خواهد شد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست این جنایت را محکوم می کند، مسببین ایجاد چنین وضعیتی باید مجازات شوند. ما اعتراض به این جنایت راحق مردم می دانیم. اما در عین حال مردم و آزادیخواهان و فعالین شهر نقده باید هوشیار باشند در شرایطی که مردم

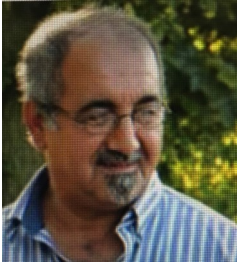
روز شنبه ۱۶ مرداد در پی یک نزاع شخصی جوانی به اسم فردین ابراهیمی از گُردزبانان شهر نقده کشته و فردی دیگر به اسم کمال محمدی نیز زخمی می شود. بنا به اخبار منتشره فردی که مرتکب این جنایت شده رضا نام دارد و از مزدوران محلی سپاه و ترک زبان می باشد.

مردم شهر نقده در اعتراض به این جنایت و احتمال اعمال نفوذ مقامات قضایی و نظامی این شهردر پرونده این جنایت، در خیابان پیرانشهر مقابل کلانتری با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای دست به اعتراض می زنند. این اعتراض فضای شهر را تحت تاثیر قرار می دهد و بمدت چند ساعت ادامه پیدا می کند و جوانی به اسم محمد علیزاده توسط شلیک مستقیم نیروهای سپاه و گارد ویژه کشته و تعدادی دیگر از جوانان معترض نیز زخمی و به بیمارستان منتقل می شوند.

در شرایطی که هر روز اعتراض و نارضایتی شهروندان به جمهوری اسلامی افزایش پیدا می کند، جنایاتی از این دست که ریشه قومی و زبانی نیز میتواند داشته باشد، به محملی برای ابراز نارضایتی و نفرت از جمهوری اسلامی تبدیل می شود. اما باید توجه داشت که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی و مزدوران محلی تلاش می کنند که برای تفرقه و دودستگی

اکتبر می‌پرسد:

اوضاع سیاسی ایران و وظایف چپ در کردستان



صالح سرداری

سمینارهایی که راست پروغرب برگزار کرده و نهادهایی نظیر "شورای گذار مسالمت‌آمیز" را ایجاد کرده اند و غیره... شرکت دارند. همه اینها چه در سطح ایران و چه در کردستان منافی مشترک را دنبال کرده و می‌خواهند خودشان به قدرت برسند و مانع دخالت کارگر و زحمتکش در امر زندگی خود شوند.

در کردستان احزاب راست و ناسیونالیست، از جمله دو حزب دمکرات و دو سازمان زحمتکشان در نهادی بنام "مرکز همکاری نیروهای کرد" با هم همکاری می‌کنند و از هم اکنون نقشه برای تحمیل کردن خود بر مردم کردستان دارند و با طرح تشکیل ارگان‌هایی نظیر ایجاد پلیس مشترک و غیره می‌خواهند مانع دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود گردند.

برای پیشبرد این نقشه، قرار است دو حزب دمکرات کردستان در آینده ای نزدیک به یک حزب تبدیل شوند. دو سازمان زحمتکشان هم همین کار را در دستور خود گذاشته‌اند. این مرکز همکاری تا به حال دو نشست با مکتب قرآنی‌های طرفدار "مفتی‌زاده" در اربیل کردستان عراق برای همکاری

ضعف و ناتوانی رژیم را در مقابل خود دیدند. حتی فضای این اعتصاب و اعتراضات کاری کرد که بخشی از مسئولین سابق رژیم را وادار کرد به رژیم اعتراض کنند. این اوضاع سیاسی جامعه ایران، باعث تحرك میان اپوزسیون چپ و راست جمهوری اسلامی شده است.

اپوزسیون راست که قبلا هم خود را برای جایگزینی جمهوری اسلامی آماده کرده بود، این بار با ایجاد انواع و اقسام نهاد و تشکیلات و برگزاری کنفرانس، و سمینارهای مختلف خود را برای دخالت در اوضاع کنونی، آماده و سازمان داده است. نیروهای اصلی اپوزسیون راست عبارتند از سلطنت طلبان، جمهوریخواهان و لیبرال‌ها و مجاهدین خلق. این راست از حمایت دولت‌های غربی و منطقه‌ای برخوردار است و امکانات وسیعی مالی و دستگاه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند.

در کردستان هم احزاب و جریان‌های راست و ناسیونالیست، با نیروهای راست پروغرب هم پیمان و در کنار هم قرار دارند. در تمام کنفرانس‌ها و

اکتبر:

در این دوره بار دیگر بحث آلترناتیوهای چپ و راست مطرح شده است، چرا؟

صالح سرداری:

باید جواب این سوال را در مؤلفه‌های جدید اوضاع سیاسی جامعه ایران و رابطه مردم و جمهوری اسلامی جستجو کرد. در ادامه اعتراضات و مبارزات چند سال قبل، جواب قاطعی که مردم ایران به شرکت نکردن در "انتخابات" ریاست جمهوری به رژیم اسلامی دادند و همچنین یک روز بعد از همین مضحکه، کارگران نفت با سازمان دادن اعتصاب خود که بیش از صد و چهارده مرکز کارگری را در بر گرفت و همزمان اعتراضات و تظاهرات مردم خوزستان بر علیه رژیم برای تأمین آب و برق، که شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای رژیم را تحت فشار بیشتری قرار داد و تناسب قوای میان رژیم و مردم را به نفع مردم تغییر داد و وارد فاز جدیدی گردید.

در این دوره همه مردم و بخصوص طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه

و هماهنگی با همدیگر برگزار کرده و تلاش می‌کنند مشترکاً نقشه خود را در کردستان عملی کنند.

به غیر از اینها پژاك هم با حمایت پ.ك.ك. یکی از نیروهایست که سهم خواهی می‌کند که از نیرو و امکانات نظامی و مالی زیادی هم برخوردارند.

در چنین اوضاعی پر تغییر و تحول، احزابی هم که در کردستان عراق حاکم هستند بیکار نخواهند نشست و از هم اکنون دارند خود را برای دخالت در کردستان ایران آماده می‌کنند. کما اینکه برای دخالت در کردستان سوریه، حزب دمکرات کردستان عراق (پارتی) حزب دمکرات کردستان سوریه را برپا کرد و با در اختیار قرار دادن امکانات بسیاری، لشکر "روژ" که -یک نیروی تعلیم‌دیده‌ی نظامی‌ست- را سازمان داد و خود را به حزب حاکم، در کردستان سوریه تحمیل کرد.

پارتی علاوه بر اینها در حال حاضر "پاک" یعنی پارت آزاد گرد را از هر لحاظ مجهز کرده و قطعاً با مناسباتی سنتی که با دو حزب دمکرات کردستان دارد از آنها هم برای نفوذ و دخالت خود در تحولات کردستان ایران استفاده خواهد کرد. اتحادیه میهنی هم سال‌هاست امکاناتی در اختیار از سازمان‌های زحمتکش‌شان گذاشته و ساکت نخواهد نشست. در جریان قیام ۵۷ هم این دو حزب پارتی و اتحادیه میهنی وارد شهرهای ایران شده و دخالت کردند.

اما در چهل و دو سال گذشته قطب چپ و کمونیست، یکی از نیروهای اصلی صحنه سیاسی در کردستان بوده است. با توجه به مبارزه قاطع و پیگیرانه اش علیه جمهوری اسلامی و دفاع بی‌اما و اگر از منفعت کارگر و زحمتکش جامعه کردستان، دارای نفوذ توده ای و از اعتبار برخوردار است. بیش از چهل سال است علیه هر نوع ستم و بیعدالتی با یکی از هارترین رژیم‌های تاریخ بشری مبارزه می‌کند. در مقابل زورگویی‌های حزب دمکرات ایستاد. از آزادی‌ها و منافع مردم دفاع کرد.

هم اکنون هم مطالبات و شعارهای توده‌های کارگر و زحمتکش را نمایندگی می‌کند بر برابری انسان‌ها، بر دخالت مردم در سرنوشت خود، برابری زن و مرد، بر مطالبات معیشتی و رفاهی، و در یک کلام حاکمیت شورایی تاکید می‌کند.

اما قطب چپ و کمونیسم در طی این چهل سال از طرف رژیم و ارتجاع در کردستان متحمل ضرباتی شده و در میان خود دچار تفرقه و انشقاق و ضعف شده است. با تمام اینها هنوز در جامعه و در میان مردم مطرح و تنها نقطه امید است.

در یک کلام در جواب سوال شما باید گفت اوضاع پر تحول کنونی اوضاع سیاسی و چشم‌انداز سرنوشتی جمهوری اسلامی، همه احزاب و جریانات سیاسی چپ و راست را برای جوابگویی به اوضاع کنونی به تحرك وا داشته است. در این چهار چوب

است که بحث قطب چپ و کمونیست باید دو باره مطرح شود.

اکتبر:

با توجه به اوضاعی که به آن اشاره کردید وظایف نیروهای چپ و کمونیست در این رابطه چیست؟ کمیته کردستان حزب چه اقداماتی را در دستور خود قرار خواهد داد؟

این وظایف برای فعالین چپ و کمونیست در جامعه چه معنایی میتواند داشته باشد؟

صالح سرداری:

در جواب این سوال باید بگویم هر حزب و جریان چپ کمونیستی که اوضاع امروز پر تحول ایران را می‌بیند و طرح و نقشه آلترناتیو راست و ارتجاعی را برای تحمیل خود بر مردم را تعقیب کرده باشد، باید احساس مسئولیت کند و خود را برای جوابگویی به این اوضاع آماده کند.

اوضاع پیش کنونی همیشه اینطور نمی‌ماند. اگر کمونیست‌ها و چپ‌ها احساس مسئولیت نکنند، اگر کماکان بر طبل قبلی بکوبند، اگر خود بزرگ‌بینی و سکتاریسم (که لطماتی جدی به ما زد) و منافع خرد و ریز تشکیلاتی در اولویت باشد، برای نیم قرن دیگر کمونیسم و کارگر و آزادیخواهی را خواهند کوبید.

به صفوف راست، نه تنها در ایران، در منطقه نگاه کنید. در کردستان عراق

پارتی و اتحادیه میهنی هزاران نفر را از همدیگر کشتند، پنج سال تمام با هم جنگیدند. اما وقتی منفعت جنبش شان ایجاب کرد در کنار هم ایستادند و قدرت خود را بر مردم محروم آن جامعه تحمیل کردند.

بالاتر اشاره کردم هردو حزب دمکرات کردستان ایران که بعد از دو بار جدایی چندین نفر از همدیگر را کشتند قرار است بزودی اعلام کنند دوباره یکی می‌شوند، و یا همین دو سازمان زحمتکشان که هنگام جدایی با پاره آجر همدیگر را لت و پار کردند، و اگر نیروهای آسایش سلیمانیه آنها را خلع سلاح نمی‌کرد چه بسا از یکدیگر هم می‌کشتند. اما امروز برای پیشبرد طرح و نقشه ارتجاعی شان در

کردستان در يك مرکز همکاری قرار گرفته و احتمالاً دوباره متحد خواهند شد.

می‌خواهم بگویم یکی از مشکلات اصلی نیروهای چپ و کمونیست ندیدند همین منافع جنبش کمونیستی و کارگری است.

دو سه سال قبل چند حزب و سازمان اقداماتی را انجام دادیم پیشرفت‌هایی هم حاصل و سندی به تصویب رسید. اعتصابی مشترك در شهرهای کردستان را سازمان دادیم، اما متأسفانه آن را به شکست کشاندند. کمیته کردستان حزب حکمتیست تمام تلاش خود را با احساس مسئولیت برای حفظ این نهاد

انجام داد که خود بزرگ‌بینی و عدم احساس مسئولیت کمونیستی مانع ادامه کاری این اقدام مهم شد.

بهرحال همانطوری که اشاره کردم اوضاع پر تحول کنونی و خطراتی که آینده جامعه ایران و کردستان را تهدید می‌کند واقعی است. اگر از منافع حقیر و ریز سکتاریستی دست برداریم و خودمان را برای ایفای



بگیرند. البته واقعا در طی چند سال گذشته در شهرها جدا از اینکه چه کسی کدام گرایش را نمایندگی می‌کند با هم همکاری و فعالیت داشته‌اند.

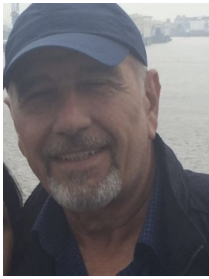
نکته دیگری که لازم است به آن اشاره داشته باشم در خارج کشور صدها کادر و شخصیت کمونیست هستند که عضو هیچ حزبی نیستند، در جامعه و در میان احزاب هم صاحب اعتبار و نفوذ می‌باشند. این رقبا که اوضاع را با نگرانی تعقیب می‌کنند، باید در این مقطع بیشتر دخالت کنند و نقش ایفا کنند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست با احساس مسئولیت برای رسیدن به ایجاد قطب چپ و کمونیست تمام تلاش خود را

خواهد کرد و از همه احزاب و سازمانها و نهاد و محافل که خود را به اردوی چپ و کمونیستی متعلق می‌دانند می‌خواهد پا پیش بگذارند تا بتوانیم به مسئولیتی که در این برهه از زمان بر دوش همه ما افتاده است، عمل کنیم.

نقش و دخالت در سرنوشت جامعه آماده نکنیم، باید به تاریخ جوابگو باشیم. مردم رنج‌دیده و کارگران و زحمتکشان هیچ عذر و بهانه‌ای را از نیرویی که خود را چپ و کمونیست میدانند اما به وظیفه کمونیستی خود عمل نکنند قبول نمی‌کند.

فراخوان ما برای ایجاد قطب چپ و کمونیستی تنها احزاب و سازمان‌های سیاسی نیست. نیروی اصلی این فراخوان در شهرهای کردستان است. فعالین کارگری و کمونیست در شهرهای کردستان بدور از هر نوع اختلافی که دارند، باید متحد و دست در دست هم در کنار یکدیگر قرار



جنبش های اعتراضی و ضرورت حمایت و همبستگی مبارزاتی

کردستان کجای این تحولات قرار دارد؟!

سعید یگانه

ومدافع آزادی و برابری به حمایت از آن بر خواستند. مردم معترض و جان به لب رسیده در شهرهای خوزستان چندین روز متمادی با دست خالی با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" بار دیگر اعلام کردند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند. رژیم اسلامی که با نهایت بی رحمی و وحشیانه به امید ارعاب جامعه و سکوت مردم، دست به کشتار و وحشیانه زد. اعتراض کارگران و اعتراض توده ای و حضور جنبش های اجتماعی نشان می دهد که جامعه مرعوب نیست و با شجاعت بیشتری به میدان آمده است.

کردستان کجای این تحولات

قرار دارد؟

قابل تامل است که از شروع اعتراضات دی ماه ۹۶ به این سو، این سؤال مطرح است که مردم در شهرهای کردستان آنچنان که انتظار هست فعالانه در این اعتراضات شرکت و همراهی نمی کنند. این انتظار از مردم مبارز کردستان، از جوانان، زنان، کارگران که سابقه درخشانی از مبارزه در سخت ترین شرایط اختناق علیه جمهوری اسلامی دارند اصلا خطا نیست. کردستان سنگر دفاع از آزادی و انقلاب در مقابل حمله ارتجاع و رژیم سرکوب گر اسلامی، در دفاع از آزادی و برابری، تاریخی سرشار از

اگر بر این باوریم که ریشه همه نابسامانیها و مصائبی که اکثریت مردم کارگر و زحمتکش به آن دچار شده اند، جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است، آنوقت برای رفع این مشکلات، انتخابی جز سرنگونی انقلابی حکومت جمهوری اسلامی در مقابل ما قرار ندارد. برای این امر مهم که آینده و خوشبختی همه ما به آن گره خورده است، لازم و بسیار ضروری است، اکثریت عظیمی از مردم که از این اوضاع به تنگ آمده اند دست در دست هم و متحدانه برای پیشبرد و اعتلای این مبارزات به میدان بیائیم.

اعتراضات دی ماه از شهر مشهد آغاز شد و به سرعت بیشتر از صد شهر را در بر گرفت. به دلیل اینکه درد و رنج مردم یکی است و از اعماق جامعه برمی خیزد. خیزش توده ای آبان ماه از تهران شروع شد و به سرعت شهرهای زیادی را درنوردید و خطر سرنگونی از بیخ گوش نظام رد شد. اعتراضات اخیر از شهرهای خوزستان آغاز شد و حمایت وسیعی در شهرهای مختلفی از آن به عمل آمد. کارگران اعتصابی شرکت نفت و پتروشیمی، کارگران اعتصابی هفت تپه، فعالین کارگری و اجتماعی، خانواده جانبازگان آبانماه ۹۸ و همه سازمانهای چپ و کمونیست

حمایت و همبستگی مبارزاتی در اوضاع سیاسی کنونی ایران، در شرایطی که هر روز اعتراض و نارضایتی در میان کارگران واقشار تهیدست جامعه اوج می گیرد، از نان شب واجبتر است. اگر بر این باوریم که اعتراض به بی آبی، بی برقی، گرانی بنزین، دستمزد و زندگی چند درجه زیر خط فقر و بالاخره اعتراض و اعتصاب کارگران علیه خصوصی سازی و سیاست پیمانکاری که دمار از روزگار کارگر در آورده اند، همه یک نقطه عزیمت دارند و جملگی مجرای برای جارو کردن کلیت نظام سرکوب و استثمار و اختناق حاکم است، آن وقت حمایت و همبستگی مبارزاتی میان کارگران و اقشار ستمدیده در جای جای ایران برای گسترش، به هم بافتن و به میدان آمدن قدرت میلیونی ستمدیدگان از اهمیت صدچندان برخوردار است. اگر معتقدیم که اعتراض جوانان، مردم کارگر و زحمتکش و حاشیه نشین شهرهای خوزستان ادامه ی دی ماه و آبان ماه و از اعماق جامعه برمی خیزد و ریشه در نابرابری ها، تبعیض، فقر و فلاکت همگانی دارد، آنگاه تقویت و حمایت از این اعتراضات در سایر مناطق، از کردستان تا بلوچستان ضروری و میرم است.

کوشش خود را به عمل خواهد آورد.

سعید یگانه

نچيروان بارزانی...

اقلیم کردستان که احزاب ناسیونالیست خواب آن را می بینند باید با اراده آگاهانه مردم کردستان عقب رانده شود. مردم آزادیخواه در ایران و کردستان، که ۴۲ سال تحت حاکمیت یکی از جنایتکارترین رژیم‌های تاریخ زندگی تلخ و مصیبت‌باری را تحمل کرده و علیه آن مقابله کرده‌اند، شایسته حاکمیت جمعی خود و تعیین مقدرات زندگی خود در شوراها و شهر و محل کار و زندگی خود هستند.

همایون گدازگر

۱۸ مرداد ۱۴۰۰

اگر آنها دست به عصا راه می‌روند و بنا به سیاست و اهداف محلی و محدودنگرانه‌ی خود از اتحاد و پیوند مبارزه‌ی مردم در کردستان با مبارزات سراسری خشنود نیستند، این سیاست و این افکار برای کارگر و زحمتکش کردستان، برای زنان که منفعتی جدا از منفعت مردم در سایر نقاط ایران ندارند، سم است. این تفکر به اتحاد و هم‌سرنوشتی و همبستگی مبارزاتی آنان لطمه می‌زند. واقعیت این است مردم کردستان به تنهایی قادر به رفع مشکلات نیستند. سرنگونی جمهوری اسلامی فقط با اعتراض سراسری و قدرت میلیونی مردم متنفراز رژیم حاکم از جمله در کردستان ممکن و میسر است. مردم در کردستان، آزادیخواهان، احزاب چپ و کمونیست با استفاده از سابقه و تجارب مبارزاتی خود، می‌توانند سهم بزرگی در گسترش اعتراضات برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایفا بکنند. گذراز این جهنم و بدست آوردن آزادی و برابری، رفع ستم ملی، فقط با همبستگی و اعتراض سراسری از کردستان تا بلوچستان، از تهران تا خوزستان و سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن و عملی است. این موانع را با آگاهی و هوشیاری و مقابله با افکار ناسیونالیستی و انزواطلبانه باید پیش ببریم. فعالین کارگری، آزادیخواهان و احزاب چپ و کمونیست و مترقی بزرگترین وظیفه را در این مصاف به عهده دارند. حزب حکمتیست در این مسیر همه توان و

مبارزه و فداکاری پشت سر دارد. هیچ وقت علی‌رغم سرکوب و زندان و اعدام و کوچ اجباری خانواده جانباختگان و مبارزین و انقلابیون در کردستان تن به حاکمیت سیاه اسلامی ندادند. کارگران، زنان و فعالین اجتماعی در سال‌های گذشته در جنبش‌های اجتماعی حضور فعال داشته‌اند. امروز که رژیم اسلامی در نتیجه اعتراض و مبارزه کارگران و سایر اقشار تهیدست به تنگ آمده و به سرازیری افتاده است، شرکت در این اعتراضات و حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران و مردم زحمتکش در سایر نقاط ایران صد چندان ضروری و باید همه‌ی توان را برای تقویت آن به کار انداخت. این ضعف مبارزاتی در کردستان هر دلیلی داشته باشد بدون تردید یکی از این موانع وجود احزاب ناسیونالیست و ملی‌گرا و انزواطلب است که این اعتراضات را بی‌ربط به خود می‌دانند و چندان استقبالی از آن به عمل نمی‌آورند. بارها شنیده و دیده ایم که گفته‌اند چرا زمانی که کولبر می‌کشند مردم به آن معترض نیستند (اگرچه این خود انتظار برحق است)، یا مردم کردستان مشکل ستم ملی دارند و خود را قربانی دیگران نمی‌کنند، این افکار برای مبارزه امروز مردم علیه جمهوری اسلامی سم است. اگر این سیاست برای احزاب ناسیونالیست که هنوز گوشه چشمی به بالایی‌ها دارند و هرگز بندوبست و سازش را از دستور کار خارج نکرده‌اند، نفعی دارد.



از افغانستان تا کردستان زنان قربانیان مذهب و مرسالاری!

تا به کی سکوت؟

ملکه عزتی

و کابل و در سردشت و مریوان این زنان همسرنوشت بوده اند، قربانیان خشونت، مذهب و زن ستیزی.

قطعا در همه جای دنیا هستند مردانی که با به قتل رساندن زنان قصد تثبیت "مردانگی و شهامت" کاذب خود را دارند. اگرچه بسیاری از این مردان در مقابل هر قدرتی ولو مامور دون پایه امنیتی و پلیسی هر حقارت و توهینی را در سکوت می پذیرند و مطیع زورمداران و قدرت حکومتی هستند، اما در لحظه به قتل رساندن زنان با گردن برافراشته در پناه قوانین ضد زن دشمنی خود را با زن و زندگی به نمایش میگذارند. در ایران این جنایات بی تردید ریشه در وجود منحوس حکومت اسلامی و اسلام بعنوان یک ایدئولوژی بشدت ضد زن دارد و اولین قدم علیه این چرخه خشونت و پایان دادن به زن ستیزی و قتل و سرکوب زنان سرنگونی این حکومت است، اما برای مبارزه با این وضعیت همین امروز هم باید و میتوان کاری کرد.

همیشه گفته ایم و تکرار میکنیم قتل و مشخصا قتل ناموسی پدیده‌ای مختص به یک جامعه خاص نیست اما بندرت میتوان دید که قوانین جاری در وقوع قتل های ناموسی بی اما و اگر حامی قاتلین باشند. به احتمال زیاد قاتلین زنان در کردستان سنخیت چندانی به

ساده خانوادگی هم باعث قتل میشود. در افغانستان در خیابان و مسیر جاده ها زنان بدلیل به همراه نداشتن مرد در حین سفر به دار آویخته میشوند، درمدارس به آتش کشیده میشوند در روستاها باید به تصرف اعضای جانی طالبان دریابند تا اهالی روستا جان سالم به در ببرند! وضعیت و امنیت اجتماعی زنان در این دنیای بغایت سیاه و نابرابر هر روز سیاه تر و نگران کننده تر می شود!

در افغانستان گروه ضدبشری طالبان با پشتیبانی آمریکا، چین و ایران و دیگر دول مرتجع منطقه درصدد تسخیر دوباره افغانستان هستند. آنها حق حیات را تنها بر کسانی روا میدارند که تسلیم بربریت و قوانین ضد انسانی آنها باشند. طالب ها خوب میدانند از چه کسانی باید بترسند و چه کسانی صف مخالفین آنها را رادیکالتر خواهند کرد. اولین قربانیان این بازگشت مرگبار یک کم‌دین و یک زن فعال حقوق زنان و کودکان است! انتخاب این دو قربانی مطلقا تصادفی نیست همانطور که قتل زنان در کردستان تصادفی و سهوی و از سر نااگاهی نیست. در هر گوشه این دنیای نابرابر قربانیان فرهنگ و سنت و قوانین ارتجاعی زنانی هستند که جز خواست حق حیات، جایی بر کسی تنگ نکرده اند. در سنج در هرات

این روزها که اعتراضات برحق مردم محروم در نقاط مختلف ایران علیه وضع موجود علیه معیشت فلاکت بار، علیه بی آبی و قطعی برق و سفره‌های خالی، علیه سرکوب و استثمار سیستماتیک هر روز در شهر و محله‌ای اوج می گیرد و همزمان جمهوری اسلامی در بدترین شرایط ممکن در طی این چهار دهه قرار دارد. در کردستان اما در بطن این تلاطم و جو پر شور حاکم بر جامعه شاهد موارد متعددی از قتل و کشتار زنان هستیم که اوج توحش مردسالاری و زن ستیزی را به نمایش می گذارد. خبرگزاری‌ها از قتل‌هایی می نویسند که مردانی با خون سردی نه تنها جان فقط یک زن که جان تعدادی دیگر و همراهان وی را هم گرفته‌اند. چه اتفاقی افتاده است که در کردستان جامعه‌ای که زنان در سال‌های نه‌چندان دور و حتی امروزه در صف اول مبارزه علیه بی حقوقی و تبعیض و نابرابری فعالیت و تلاش کرده‌اند و از بیشترین آزادی‌ها برخوردار بوده‌اند، زنان سلاخی می‌شوند، با ماشین زیر گرفته می‌شوند، طلاق باعث قتل می‌شود، عصبانیت مردان باعث قتل می‌شود، تلخی زندگی و کمبودهای بی‌امان معیشتی باعث قتل می‌شود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه مردان باعث قتل میشود و اختلافات

فاجعه ای تازه بود و در سوگ مرگ انسانی دیگر بدون فریاد خشم به سوگ نشست. بیتفاوتی و سکوت در برابر قتل زنان و گرفتن جان کودکان بدنیا نیامده آنان دودش به چشم تك تك آحاد جامعه خواهد رفت.

جنبش برابری طلبی و آزادیخواهی زنان در کردستان برای مبارزه با قتل‌های ناموسی نمیتواند منتظر تغییر و تحولات بنیادی و سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. حضور فعال در این عرصه و تعرض جدی به مردسالاری و قوانین متحجر مذهبی و مقابله با قتل‌های ناموسی را باید از همین امروز آغاز کرد. از سنجیدن و مریوان از کرمانشاه و سردشت و هر جای دیگری که امکان حضور و تحرك داریم صدایمان را بر علیه ارتجاع اسلامی و قوانین ضد زن مذهبی و سنت‌های پوسیده در جامعه بلند کنیم. در کردستان حضور طیف وسیعی از فعالین سرشناس اجتماعی و کارگری باید بتواند مبنای تغییرات جدی و بستن سدی در مقابل زن ستیزی و قتل‌های ناموسی باشد. بدون بستن این سد تعرضی و بدون حمایت جدی از زنانی که جانشان به هر دلیلی در خطر است جامعه سیر قهقرایی خشونت و باز تولید آن را هر روزه شاهد خواهد بود.

ملکه عزتی

کارت باطل ملیت و قومیت بازی میکند. جامعه کردستان که در سالهای نه چندان دور آزادی جامعه را معیار آزادی زن میدانست امروز با سکوتی مرگبار شاهد خاموش کشتن زنان توسط مردان است. امروز یا عمق فاجعه هنوز درک نشده یا ما تبدیل به مردمانی مسخ شده و بی تفاوت تبدیل شده‌ایم. بر سر ما چه آمده؟ بر سر انسان‌هایی که می‌بایست اعتراض و خشم فروخورده‌ی خود را علیه حکومت سرکوبگر اسلامی و بر سر حاکمان جانی و دزد و جنایتکارش فرود آورند چه آمده که در گرفتن جان انسان‌ها با این جانیان مسابقه گذاشته است؟ میزان اعدام‌های رژیم در طی این چند روز برابر است با میزان قتل‌های ناموسی صورت گرفته در کردستان! این میزان از قتل و کشتار و سرکوب زنان تا امروز در کردستان بیسابقه بوده. واکنش جامعه و فعالین اجتماعی به این جنایات بدون تردید باید از حد ابراز تاسف یا بهت ناشی از این جنایات فراتر برود.

تا جامعه در سکوت شاهد خاموش این فجایع باشد این دور باطل با هر بهانه ایی ادامه خواهد داشت. در طی ۳ سال گذشته قتل زنان در کردستان به پدیده ایی تقریباً روزمره و بخش‌عادی تبدیل شده اما بهت و تعجب آنجاست که هیچ موردی از این جنایات حتی شنیع‌ترین آنها انگیزه خروش جامعه و اعتراض فعالین حی و حاضر علیه این بربریت نشده است! یا باید ریشه این جنایات را خشکاند یا هر روز شاهد

لحاظ هویتی با باند طالبان ندارند و خود را با آنان تعریف نمیکنند اما بی هیچ تردیدی نقطه اشتراک هر دو زن ستیزی عمیق آنها در سایه باورهای بغایت ارتجاعی مذهبی است. بهانه برای قتل زنان در افغانستان رفتن به مدرسه و کسب آگاهی، سفر بدون همراهی مرد یا فعالیت‌های اجتماعی و عدم رعایت حجاب و عصیان علیه جنایات طالبان است. در کردستان بهانه اقدام به تقاضای طلاق، ازدواج مجدد یا سوظن بی اخلاقی است!

مشخصه يك سیستم سراپا تبعیض و مبتنی بر نابرابری جنسیتی، موقعیت فرودست زنان بعنوان شهروندان درجه چندم است که زنان را بعنوان موجوداتی بی اختیار، بی حقوق و فاقد تشخیص می‌شناسد. در این ساختار پدر و شوهر و برادر قیم و وصی زن هستند، ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی نیمی از جامعه نه در اختیار خودش که در اختیار خانواده و علی‌الخصوص مردان است. از رومینای اشرفی ۱۳ ساله تا منیره قادری چهل ساله اهل مریوان و زن عاصی بلخی که تنها سفر میکرد و آواز میخواند بر اساس این احساس مالکیت و نگاه بغایت ارتجاعی و ضد زن، از حق حیات محروم شدند. پتك ناموس و شرف در دست مردان روزانه و بطور مداوم جان زنان را تهدید میکند. امروز در ایران در سایه جمهوری اسلامی زنان را میکشند، در افغانستان در سایه طالبان میکشند در اقلیم کردستان در سایه حکومتی که با



تروریسم جمهوری اسلامی و حکم اعدام در حکومت اقلیم کردستان

سیوان کریمی

دست بزنند.

نیست، اما وقتی به خودشان می‌رسد به فرهنگشان رجوع می‌کنند. خون در برابر خون. جان در برابر جان. و باز هم دم از فرهنگ و مدرن بودن می‌زنند. کیس قادر قادری، بار دیگر از خط و نشان این جماعت برای جامعه پرده برداشت. کردستان که در طول چهار دهه علیه اعدام و طناب دار مقاومت کرده است، دوباره به زیر این پرچم برود، اینبار اعدام و جنایت با لباس و زبان و فرهنگ کردی صورت پذیرد. خطوط قرمز و مقدسات خود را برای جامعه ترسیم کنند و نزدیک شدن به آن را به دادگاههای احتمالا چند دقیقه‌ای ارجاع و ادامه‌ی ماجرا. این شعف و شادمانی اگر بخشا برای محکوم کردن رژیم اسلامی است (که البته در حکم دادگاه مطلقا اشاره‌ای به آن نشده است) اما طرف دیگری دارد و آن هم مجازات اعدام است. اگر برای محکومیت یک جنایت از حکومت اقلیم قدردانی می‌کنید، بدانید که خود این حکومت بانی جنایتهایی علیه هر صدای مخالفی بوده است. هر هفته و هر ماه خبر از گم شدن، کشته شدن و بی‌اطلاعی از اعضای این احزاب ناسیونالیست منتشر می‌شود. اگر اقدام شما برای دفاع از جان یک انسان است و از حکومت اقلیم قدردانی می‌کنید، بررسی پرونده‌های

بقیه در صفحه ۱۴

حکومت اقلیم کردستان هم تاریخی سیاه در زمینه کشتار مردم دارد. از کشتار کمونیستها در سلیمانیه و دستور قتل آنها توسط نوشیروان مصطفی، تا قتل روزنامه‌نگاران به دلیل دفاع از آزادی بیان و نهایتا آتش گشودن به مردم معترضی که برای دفاع از حق خود به میدان آمده بودند. برای ما و از نگاه ما، اعدام قتل عمد است.

کیس قادر قادری و خوشحالی از حکم اعدام دادگاه

ترور قادر قادری (که حتی دادگاه اقلیم کردستان هیچگاه حاضر به قبول آن نشد) از رهبران حزب دموکرات کردستان ایران محکوم است. در این هیچ شبهه‌ای وجود ندارد. عاملین و آمرین این جنایت باید در دادگاه محاکمه شوند و به سزای اعمالشان برسند. اما این سزا اعدام نیست. جنایت را با جنایت نمی‌توان پاسخ داد. هر چه ناسیونالیستها در بوق و کرنا بکنند و ادای مدرنیته را درآورند، باز هم در جایی دم خروسشان بیرون می‌زنند. فرهنگ خون در مقابل خون کماکان در این تفکر ریشه دارد. کماکان برای حل هر مسئله‌ای به این فرهنگ مراجعه می‌کنند. اگر رهبرانشان سالهاست در کشورهای دیگری می‌کنند که حکم اعدام در قانون نشان

زمانی نه‌چندان دور، خالد عزیزی آرزو کرد که کردها زیر لوای حکومت کردی بتوانند همدیگر را اعدام کنند. هفته گذشته دادگاه حکومت اقلیم کردستان کاری کرد که خالد عزیزی و همفکرانش به آرزویشان برسند. شعف و شادی این بخش به حدی بود که از آن به عنوان اقدام شایسته یاد کردند. اعدام قتل عمد دولتی است و هیچ شخص، سازمان، نهاد و مرجعی نمی‌تواند که زندگی را از یک انسان بگیرد. وقتی از دولت و نهادی به عنوان جنایتکار یاد می‌شود، بدون شک اقدام به کشتن و ترور افراد بخش جدایی‌ناپذیر آن است. شکی در جنایتکار بودن رژیم اسلامی نیست. شکی نیست که رژیم اسلامی از هر ابزاری برای کشتن و ترور مخالفان خود استفاده می‌کند. رژیم اسلامی به عنوان رژیم قتل و جنایت در میان اپوزیسیون و بعضا در میان افکار عمومی جهان شناخته شده است. تصمیم حکومت اقلیم کردستان، آیا قرار گرفتن در کنار رژیم اسلامی نیست؟ دفاع از اقدام حکومت اقلیم برای کشتن و قتل عمد دولتی سه نفر را چه باید نامید؟ جنایت جنایت است، چه دادگاههای چند دقیقه‌ای رژیم اسلامی مرتکب آن شود، چه حکومت اقلیم کردستان و یا هر دولت دیگری به آن



زنان افغانستان در تقابلی سرنوشت ساز

پروبن کابلی

جنبش برابری طلب دنیا به ویژه خاورمیانه است.

بدون شك روی کار آمدن طالبان در افغانستان نه تنها جمهوری اسلامی را تقویت خواهد نمود بلکه موقعیت اجتماعی و سیاسی و حقوقی زنان را در افغانستان و منطقه به عقب نشینی جدی وادار خواهد نمود.

باید با این امر به مقابله برخاست و اجازه نداد بار دیگر باندهای سیاه اسلامی بر افغانستان چیره شوند. دفاع از جنبش برابری طلبی در افغانستان به معنای واقعی مبارزه علیه جمهوری اسلامی است که این روزها زیر ضرب مبارزات مردم در ایران قرار دارد. به حکومت تمام این جانیان و دست درازی آنها بر جان و مال مردم باید خاتمه داد.

۴ اوت ۲۰۲۱

با وجود همه‌ی اینها به جلو رفته اند و توانسته‌اند سنگرهای مهمی را بدست بیاورند. اما تمام این دستاوردها با پیشروی طالبان نه تنها در مقابل تهدیدی قرار گرفته است بلکه بطور فیزیکی جان هزاران زنی که در این امر تلاش کرده اند همراه بستگان‌شان در خطر جدیست. هر قدم پیشروی طالبان تهدیدی جدی بر علیه تمام این پیشروی‌هاست.

جنبش برابری طلب و آزادیخواهی زنان ایران در بیش از چهاردهه‌ی گذشته به مصاف جمهوری اسلامی رفته است و علیرغم تمام کشتار و قتل عام و اشاعه‌ی سنت‌های عقب مانده، قانونی کردن آپارتاید جنسی همیشه بعنوان يك جنبش قوی و ضد اسلام سیاسی، به بطور جدی به همسرنوشتی زنان در خاورمیانه و مقابله با اسلام سیاسی بعنوان یکی از مهمترین مانع‌های پیشروی امر زنان معتقد بوده و تلاش نموده است این همسرنوشتی را بروز کند و بعنوان يك جنبش مهم در خاورمیانه از آن در همه جا دفاع نماید.

امروز بار دیگر این سوال واقعی در مقابل ما قرار گرفته است و باید تمام تلاش خود را برای نشان داده خطر پیشروی طالبان در افغانستان انجام دهیم. امر زنان در افغانستان امر

معاملات پشت پرده‌ی ناتو با طالبان، مامشات دولتمردان کنونی افغانستان با تکیه به نیروهای ناتو، لاس‌زدن‌های دولت‌های ایران و چین با تروریست‌ها تلاش برای باز کردن کسب قدرت طالبان در ایران است و می‌خواهند دربارگاه سیاست بین‌المللی غسل تعمید آنها را هم بزودی سازمان دهند. باید منتظر بود که يك صندلی را هم در سازمان ملل اشغال نمایند.

در هفته گذشته افراد مسلح طالبان، نظر محمد خاشه کم‌دین مشهور قندهاری را تکه‌تکه کردند و جنازه اش را در بیابان رها کردند. بمب گذاری در مقابل مدارس، در درون سالنهای های امتحانات دانشگاهی و مجالس عروسی، روزانه از مردم کودکان بی گناه قربانی می‌گیرد. پرونده اینان به همان قطوری جانیان همپالکی نشسته در تهران است.

جامعه افغانستان در دو دهه‌ی گذشته توانسته است علیرغم همه‌ی این جنایات قدمهای مهمی برای يك جامعه متمدن به جلو بگذارد. زنان افغانستان برای هر قدمی که برداشته اند به مبارزه ای همه جانبه تا سرحد مرگ دست زده اند، کشته شده اند، مثله شده اند، گوش و بینی شان را از دست داده اند، به عنوان هرزه و بدکاره انگشت نمایشان کرده اند. اما

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با دادگاهی و محکومیت تروریست‌های اسلامی در دادگاه اربیل

برای اولین بار دیروز دادگاهی در اربیل بالاخره پنج تروریست را که دو سال قبل قادر قادری از مسئولین حزب دمکرات کردستان را ترور کرده بودند، به اعدام و زندان محکوم کرد. این ترور تحت نظر و با هدایت اطلاعات سپاه پیرانشهر طراحی و اجرا شد.

ترور مخالفین جمهوری اسلامی در کردستان عراق یکی از اقدامات همیشگی جمهوری اسلامی بوده. تازه ترین مورد از این اقدامات ترور بهزاد رحیمی شهروند سنندجی بود که در کردستان عراق کار و زندگی میکرد.

رژیم تروریستی و سرکوبگر اسلامی بیشتر از صدها نفر از مخالفین خود و اعضای احزاب و جریانات سیاسی و اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق را به قتل رسانده است. پرونده قطوری از ترورها سالهاست در دادگاههای کردستان عراق خاک می‌خورند، این اولین بار است که در اقلیم کردستان تروریست‌ها محاکمه و محکوم میشوند.

ما بارها در طی این سالها این جنایات و ترورها را افشا و محکوم کرده ایم و خواستار دستگیری و محاکمه عاملین این ترورها شده ایم اما حکومت اقلیم کردستان تا کنون دست به هیچ اقدامی در این رابطه نزده است.

روز گذشته نهایتاً دادگاه اربیل سه تروریست را به اعدام و دو نفر از همکاران آنها را به پنج سال زندان محکوم کرده است. بدون تردید ما مخالف حکم اعدام هستیم و خواستار لغو حکم اعدام این سه تروریست و تبدیل حکم اعدام به زندان طولانی مدت هستیم. اعدام راه حل مبارزه با تروریسم و پایان دادن به این جنایت نیست.

کمیته کردستان حزب حکمتیست خواستار باز گشایی تمام پرونده های ترور توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در کردستان عراق است. حکومت اقلیم کردستان عراق در طی سی سال گذشته با سکوت و مماشات با جمهوری اسلامی عملاً به تروریسم رژیم یاری رسانده و فضا را برای ترور مخالفین جمهوری اسلامی باز گذاشته است.

هیچ منفعت و مصلحتی در رابطه با دادگاهی کردن مسببین این جنایات قابل قبول نیست. حکومت اقلیم و دادگاه هایش باید جوابگو باشند.

مرگ بر رژیم تروریستی جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب حکمتیست

سوم اگوست ۲۰۲۱

۱۲ مرداد ۱۴۰۰

تروریسم جمهوری اسلامی ...

این افراد "مفقود" و کشته شده توسط همین دادگاه نهایتاً شما را به سرنوشت این محکومان امروز دچار می‌کند. هیچ جنایتی نمی‌تواند شایسته مرگ باشد. اگر جامعه‌ای سالم باشد و قوانین آن بر مبنای انسان و انسانیت باشد، مطلقاً جا و سخنی از اعدام در آن شایسته نیست. کسانی که خالق جنایت ترور قادر قادری بودند باید به سزای خود برسند، ولی این مجازات مطلقاً مرگ نیست.

آگوست ۲۰۲۱

سیوان کریمی

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر

شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر ماه یک بار منتشر می‌شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر

homayon_1954@yahoo.de

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در محکومیت ترور موسی باباخانی

بنا به اطلاعیه حزب دمکرات کردستان، موسی باباخانی از اعضای کمیته مرکزی این حزب غروب پنج شنبه چهاردهم مرداد توسط دو تن از تروریست‌های وابسته به جمهوری اسلامی در شهر اربیل ربوده شده و روز شانزدهم مرداد جسد وی با آثار شکنجه درهتلی در اربیل پیدا می‌شود.

این اولین بار نیست که رژیم تروریست پرور اسلامی دست به ترور مخالفین خود و افراد وابسته به اپوزیسیون در خارج از کشور می‌زند و متأسفانه اقلیم کردستان به جولانگاه امنی برای انجام اقدامات تروریستی و حذف فیزیکی مخالفان رژیم تبدیل شده.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ترور جنایتکارانه موسی باباخانی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان را قویاً محکوم می‌کند و به خانواده و دوستان ایشان تسلیت می‌گوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست

۱۸ اگوست ۲۰۲۱